

### درصد واقعی افزایش حقوق سال ۹۹ چقدر است؟



اسفندماه هر سال بحث افزایش حقوق کارکنان بخش خصوصی داغ می شود زیرا دراین ماه باید در شورای عالی کار بین نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت درباره تعیین حداقل حقوق و دستمزد سال

بعد تفاهم و توافق صورت گیرد.

این حداقل دستمزد در واقع برای کلیه حقوق بگیران بخش خصوصی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی در سراسر کشور است و محدود به کارگران نیست. متأسفانه بسیاری کارکنان بخش خصوصی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی نبوده و مشمول این افزایش دستمزد، پوشش بیمه ای و تأمین شغلی نیستند و لازم است برای زیر پوشش گرفتن آنها توسط سازمان تأمین اجتماعی تمهیداتی اندیشیده شود.

مشکل بزرگ بسیاری از نیروی کار و بازنسستگان کشور چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، پایین بودن دستمزدها و مقرری ها نسبت به هزینه های زندگی است که بایستی در این مورد چاره اندیشی شود. ایران دارای یکی از پایین ترین دستمزدهای نیروی کاردرجهان است و قشر پایین حقوق و مقرری بگیر کشور در فشار زیادی قرار دارند.



دولت در مورد افزایش دستمزدها معمولاً دارای موضعی دوگانه است به این معنی که در مورد افزایش حقوق کارکنان دولت، درصد کمتری را از افزایش حقوق کارکنان بخش خصوصی تعیین می کند.

موضع هر گروه در شورای عالی کار در مورد تعیین دستمزدها عبارت است از انتظار بالاترین افزایش دستمزد بیش از نرخ تورم سالانه از سوی نمایندگان کارگران و انتظار افزایش معقول و قابل تحمل دستمزدها از نظر پرداخت از سوی نمایندگان کارفرمایان و تلاش به میانگیری و نزدیک سازی نظرات طرفین به یکدیگر از سوی نمایندگان دولت! سال گذشته به دلیل کرونا این جلسات موفق به تفاهم و توافق تا پایان سال نشد و دنباله مذاکرات امسال صورت گرفت و در ۲۰ فروردین در ساعات دیر وقت شب توافق انجام و اعلام شد .

آنچه که درعمل اتفاق می افتد اعلام افزایش فقط حداقل حقوق پایه کارگران و درصد افزایش آن در رسانه ها است و معمولاً گلابه نمایندگان کارگران از پایین بودن این افزایش را به دنبال دارد. افزایش اعلام شده برای سال ۹۹، ۲۱ درصد به حقوق پایه کارگران است که همزمان ناراضیانی نمایندگان کارگران از درصد اعلام شد و آنان افزایشی حدود ۴۰ درصد، متناسب با نرخ تورم را انتظار داشتند.

طبیعتاً در رسانه ها نیز همین افزایش ۲۱ درصدی حقوق کارگران منعکس شد و گله مندی های گسترده ای نیز به دنبال داشت. لیکن واقعیت با ۲۱ درصد متفاوت است!

حقوق کارکنان بخش خصوصی از چند قسمت تشکیل می شود که حداقل دستمزد روزانه یکی از اقلام آن است. دراین حقوق چند پرداخت ماهانه دیگر نیز مانند حق مسکن، بن کارگری، سنوات، حق اولاد به ازای هر فرزند، اجباری است و در واقع جزو حقوق است و کارفرمایان موظفند آن را نیز علاوه بر حداقل حقوق بپردازند لیکن در اعلام افزایش حقوق، افزایش این اقلام و درصدهای افزایش آنها در سایه قرار می گیرد. در توافق افزایش حقوق امسال برای هر یک از این اقلام افزایشی از حداقل ۲۱ در صد تا ۱۵۰ درصد بشرح جدول منظور شده است.

ردیف	عنوان	سال ۹۸	سال ۹۹	مبلغ افزایش	درصد افزایش
۱	حقوق روزانه	۵۵۵۶۲۷	۶۱۱۸۰۹	۱۰۶،۱۸۲	۲۰٫۱ درصد
۲	حقوق ماهانه	۱۵۱۶۸۸۱۰	۱۸۳۵۶۴۲۷	۳۱،۸۵۴۶۰	۲۱٫۰۳ درصد
۲	حق مسکن	۱،۰۰۰،۰۰۰	۲،۰۰۰،۰۰۰	۱،۰۰۰،۰۰۰	۱۰۰ درصد
۳	بن کارگری	۱،۹۰۰،۰۰۰	۴،۰۰۰،۰۰۰	۲،۱۰۰،۰۰۰	۱۱۰ درصد
۴	سنوات	۷۰۰،۰۰۰	۱،۷۵۰،۰۰۰	۱،۰۵۰،۰۰۰	۱۵۰ درصد
۵	حق اولاد	۱۵۱۶۸۸۱	۱۸۳۵۶۴۲	۳۱۸۵۴۶	۲۱٫۰۳ درصد

با توجه به جدول ملاحظه می شود که حداقل ۲۱ درصد و حداکثر ۱۵۰ درصد افزایش درههه اقلام صورت گرفته و متوسط افزایش حداقل حقوق در کل بین ۳۷ تا ۳۹ درصد نسبت به سال قبل است. بنابراین افزایش ۴۰ درصدی مورد نظر نمایندگان کارگران تا حدودی محقق شده است لیکن اگر آنها با افزایش حدود ۳۸ درصدی دستمزدها نسبت به سال قبل موافق نباشند، بحث دیگری است. واقعیت آن است که این افزایش ۳۸ درصدی نیز گرهی از مشکلات کارکنان بخش خصوصی نخواهد گشود.

بر مبنای این جدول حداقل دریافتی یک کارگر ساده در بدو استخدام بیش از دو میلیون و چهارصد هزار تومان خواهد بود و برای کارگران دارای بیش از یکسال سابقه مبلغ ۱۰،۷۵۰،۰۰۰ ریال و به از هر فرزند نیز ۱،۸۳۵،۴۲۷ ریال به حقوق پایه اضافه خواهد شد.

کارفرمایان موظفند علاوه بر حقوق، ماهانه معادل ۲۳ درصد رقم دستمزد را به عنوان بیمه به سازمان تأمین اجتماعی بپردازند. به عبارت دیگر کارفرما بایستی ماهانه بیش از ۵۶۰ هزار تومان در مورد حداقل حقوق، به سازمان تأمین اجتماعی بپردازد.

نکته ای که نباید از نظر دور داشت کارایی و تخصص کارکنان بخش خصوصی است. لیکن حقوق معمولاً برای کارکنان بدون تخصص در بدو استخدام است لیکن کارکنان دارای تخصص و کارایی را نمی توان با چنین دستمزدی استخدام کرد و ارقام بسیار بالاتری انتظار دارند. نگرشی به متوسط دستمزد کارکنان در شرکت ها و کارگاه ها بیگانه آن است که با حداقل دستمزد ارتباط چندانی ندارد.

در واقع کارفرمایان برای حفظ نیروی کار متخصص و کارا پرداخت بسیار بیشتری مانند حقوق بالا، وام قرض الحسنه، بیمه تکمیلی، پاداش های موردی، حق مأموریت و حتی سهام ارائه می کنند که ربطی به حداقل دستمزد ندارد.

نظام حقوق و دستمزد ما چه در بخش دولتی و چه در بخش خصوصی و چه در مورد بازنسستگان دارای اشکالات اساسی است و ارتباط چندانی با هزینه های زندگی ندارد.

بسیار بهتر بود که دولت به جای اعلام یارانه های مختلف، روی افزایش حداقل دستمزدها و سامان دهی حقوق بیکاری تمرکز کند.

- شنبه ۳۰ فروردین ۱۳۹۹
- سال بیست وششم
- شماره ۷۳۲۴

#### ۹ اقتصاددان و نخبه جهان پاسخ می دهند

## اقتصاد پسا کرونا چگونه خواهد بود؟

طلا تسلیمی  
مترجم

شیوع بیماری همه گیر کرونا مناسبات اقتصادی و مالی را برای همیشه تغییر خواهد داد. پس از چندین هفته قرنطینه، غم از دست رفتن جان های بیشمار، و متوقف شدن بخش اعظم اقتصاد جهانی، هنوز هم بهترین شیوه برای توصیف این لحظه تاریخی، عدم اطمینان است. آیا تجارت ها کار خود را از سر می گیرند و فرصت های شغلی باز می گردند؟ آیا مردم

#### خطر واقعی، سوء استفاده سیاستمداران از ترس های ما است



کیتا کانیاث  
اقتصاددان ارشد صندوق بین المللی پول

در چند هفته گذشته زنجیره ای از حوادث- از دست رفتن غم انگیز زندگی، فلج شدن زنجیره های تأمین جهانی، وقفه در حمل و نقل تجهیزات پزشکی بین کشورهای متحد، و شدیدترین رکود اقتصادی جهانی از دهه ۱۹۳۰- آسیب پذیری ناشی از مرزهای باز را به نمایش گذاشت.

حمایت از اقتصاد یکپارچه جهانی پیش از «کووید۱۹» رو به کاهش بود و اکنون، این بیماری همه گیر ارزیابی مجدد هزینه ها و مزایای جهانی شدن را تسریع خواهد کرد. شرکت هایی که بخشی از زنجیره های تأمین جهانی هستند، مخاطرات ذاتی وابستگی های متقابل و خسارات ناشی از اختلال را از نزدیک درک کرده اند. این شرکت ها به احتمال زیاد در آینده مخاطرات این وابستگی را جدی تر خواهند گرفت که نتیجه، زنجیره های تأمین محلی تر، با ثبات تر و کمتر جهانی می شود. در بازارهای نوظهور که به تازگی به روی جهانی سازی آغوش گشوده و شاهد جریان مداوم سرمایه بودند، کنترل مجدد سرمایه در تلاش برای محافظت در برابر نیروهای بی ثبات کننده اقتصادی را شاهد خواهیم بود و حتی وقتی تدابیر مهار به تدریج در سراسر جهان گسترده شود، باز هم احتمالاً افراد با ارزیابی مخاطرات سفر، احتمالاً چندان تمایلی به آن نشان نخواهند داد.

با این حال، خطر واقعی این است که این تغییر شخصی در رویه زندگی و فاصله گرفتن افراد و شرکت ها از جهانی شدن توسط برخی سیاستگذاران که از ترس از مرزهای آزاد سوء استفاده می کنند، تشدید شود. ممکن است آنها محدودیت های حمایت از تولیدات داخلی را تحت عنوان خودکفایی به تجارت تحمیل کنند و به بهانه بهداشت عمومی مانع از رفت و آمد آزادانه افراد شوند. حذر از چنین نتیجه ای و حفظ روحیه وحدت بین المللی که در بیش از ۵۰ سال گذشته دوام داشته، اکنون در دست رهبران جهانی است.

#### یک میخ دیگر بر تابوت جهانی شدن



کاریم امین  
ریزهاتر پروفیسور مالی بین المللی در دانشگاه کندی هاروارد

جنگ جهانی اول و رکود اقتصادی جهانی در اوایل دهه ۱۹۳۰ میلادی دوره قبلی جهانی شدن را با مشکل مواجه ساخت. جدای از موانع تجاری و کنترل سرمایه، توضیح مهم برای این مسأله این است که بیش از ۵۰ درصد از کل کشورهایی که آن زمان دچار رکود شده بودند تا دهه ۱۹۵۰ یا بعد از آن ارتباط خود را با بازارهای سرمایه جهانی قطع کردند. با پایان جنگ جهانی دوم، سیستم جدید برتون وودز کنترل های گسترده بر جریان سرمایه را به سرکوب مالی داخلی افزود.

از زمان بحران مالی ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ چرخه جهانی سازی مدرن به طور مداوم متحمل ضرباتی شده است: بحران بدهی اروپا، برگزیت، جنگ تجاری ایالات متحده و چین و ظهور پوپولیسم در بسیاری از کشورها که تعادل را به سمت تعصبات داخلی بر هم زده است. بیماری همه گیر کرونا اولین بحران از دهه ۱۹۳۰ به شمار می رود که اقتصادهای پیشرفته و در حال توسعه را به طور یکسان درگیر کرده است. رکود اقتصادی ناشی از آن می تواند عمیق و طولانی باشد. احتمالاً بدهی های دولت ها افزایش خواهد یافت و فریادها برای محدود کردن تجارت و گردش سرمایه با صدای بلندتری شنیده خواهند شد.

معماری مالی پسا-کرونا شاید ما را به دوران پیش از جهانی شدن برتون وودز برگرداند، اما آسیب های آن به تجارت و دارایی بین المللی گسترده و پایدار خواهد بود.

#### کرونا شرایط ناخوشایند موجود اقتصادی را وخیم تر می کند



آدام پوون  
مدیر انستیتو اقتصاد بین المللی پترسون

شیوع بیماری همه گیر کرونا ۹ وضعیت ناخوشایند موجود در اقتصاد جهانی را تشدید می کند. اولی، رکود سکولار است: ترکیبی از رشد اندک بهره روری، نبود بازده سرمایه گذاری خصوصی و تورم منفی؛ این شرایط باعث کاهش ریسک پذیری، صرفه جویی بیشتر و در نتیجه کاهش تقاضا و نوآوری می شود. دومی، عمیق تر شدن شکاف بین کشورهای ثروتمند (و چند بازار نوظهور) با سایر جهان در زمینه مقاومت در برابر بحران است. سومی، جهان بعضاً در نتیجه حرکت به سمت ایمنی و خطرپذیری آشکار اقتصادهای در حال توسعه، همچنان برای تأمین اعتبار و تجارت به دلار آمریکا متکی خواهد ماند و این در حالی است که ایالات متحده به طور فزاینده جذابیت خود را برای سرمایه گذاری از دست می دهد؛ این شرایط منجر به ناراضیانی مداوم خواهد شد. چهارمی، ملی گرایی اقتصادی است که به طور فزاینده دولت ها را به بستن اقتصاد خود به روی سایر نقاط جهان سوق می دهد؛ چنین رویه ای هرگز استقلال کامل یا چیزی نزدیک به آن را در پی نخواهد داشت و تنها به مشکلات و ناراضیانی بیشتر می انجامد.

#### اقتصاد چین ۶.۸ درصد کوچکتر شد

آمارهای اداره ملی آمار چین نشان می دهد کاهش اقتصاد چین که این روزها تجربه می شود، در ۲۸ ساله گذشته یعنی از سال ۱۹۹۲ میلادی که آمارهای سه ماهه چین ثبت شده بی سابقه بوده است. گزارش آمارهای اداره ملی آمار چین می افزاید تولید ناخالص چین در سه ماهه ژانویه تا مارس سال جاری میلادی ۶.۸ درصد کاهش یافته است. رقمی که فراتر از پیش بینی ۶.۵ درصدی رشد اقتصادی این کشور است. بر اساس این گزارش، تولید ناخالص داخلی چین در سه ماهه نخست سال جاری در مقایسه با سه ماهه سال گذشته هم حدود ۹.۸ درصد کاهش یافته است. نرخ بیکاری شهری در چین هم در ماه مارس ۵.۹ درصد بود که نسبت به رقم ۶.۲ درصدی ماه پیش از آن یعنی فوریه، نسبتاً بهتر شده است. پکن متعهد

از پیش بینی ۶.۵ درصدی رشد اقتصادی این کشور است. بر اساس این گزارش، تولید ناخالص داخلی چین در سه ماهه نخست سال جاری در مقایسه با سه ماهه سال گذشته هم حدود ۹.۸ درصد کاهش یافته است. نرخ بیکاری شهری در چین هم در ماه مارس ۵.۹ درصد بود که نسبت به رقم ۶.۲ درصدی ماه پیش از آن یعنی فوریه، نسبتاً بهتر شده است. پکن متعهد

#### باید بین «جهانی شدن» و «خودکفایی» توازن برقرار شود



جوزف ای. استیگلتیز  
پروفیسور اقتصاد در دانشگاه کلمبیا و برنده نوبل اقتصادی سال ۲۰۰۱

کارشناسان اقتصادی عادت داشتند درخواست ها از کشورها برای اجرای سیاست های امنیت غذایی یا انرژی را به استهزا بگیرند. استدلال آنها هم این است که در دنیای «جهانی شده» که مرزها در آن اهمیتی ندارند، در صورت مواجهه با مشکل همواره می توانیم به دیگر کشورها متوسل شویم. اکنون، به طور ناگهانی مرزها اهمیت پیدا کرده اند چرا که کشورها ماسک و تجهیزات پزشکی خودشان را برای خودشان نگه داشته و برای تأمین منابع به مشکل برخورده اند. بحران ویروس کرونا یادآور شد که هنوز هم واحدهای اساسی سیاسی و اقتصادی مبتنی بر کشور است. معمولاً برای ساخت زنجیره های تأمین به ظاهر کارآمد، سراسر جهان را به دنبال پایین ترین هزینه تولید در هر پیوند در زنجیره می گردیم. اما این کوتاه بینی به ایجاد سیستمی بدون مقاومت، به طور نامناسبی متنوع و آسیب پذیر در برابر داخل ها انجامیده است. تولید و توزیع به موقع، با موجودی کم یا بدون موجودی، ممکن است مشکلات کوچک را دوام آورد، اما در مواجهه با اختلالی ناگهانی در هم می شکند. درس مقاومت را باید از بحران مالی سال ۲۰۰۸ می آموختیم. یک سیستم مالی به هم پیوسته ایجاد کرده بودیم که ظاهر کارآمد و شاید در جذب شوک های کوچک خوب، اما ذاتاً شکننده بود. اگر کمک های گسترده دولتی نبود، سیستم با ترکیدن حباب املاک و مستغلات در هم می شکست. آشکارا آن درس را فراموش کردیم. سیستم اقتصادی که بعد از کرونا ایجاد می کنیم باید کمتر کوتاه بینانه، مقاوم و حساس تر به این واقعیت باشد که جهانی سازی اقتصادی خیلی سریع تر از جهانی سازی سیاسی پیش رفته است. تا زمانی که شرایط اینگونه باشد، کشورها باید برای به دست آوردن توازن بهتر بین استفاده از جهانی سازی و درجه لازم برای اعتماد به نفس تلاش کنند.

#### جهان بیشتر از همیشه به رهنمودهای «بانک های مرکزی» نیاز دارد



ایسور راسکاس  
پروفیسور سیاست تجاری در دانشگاه کورنل

کشتار اقتصادی و مالی بیماری کرونا زخم های عمیقی بر اقتصاد جهانی باقی خواهد گذاشت. بانک های مرکزی با زیر پا گذاشتن آیین نامه های خود در برابر چالش ایستاده اند. فدرال رزرو آمریکا بازارهای مالی را با خرید دارایی و فراهم کردن نقدینگی دلار را برای سایر بانک های مرکزی تقویت کرده است. بانک مرکزی اروپا در حمایت از یورو «هیچ محدودیتی» قائل نشده و به خرید گسترده اوراق قرضه دولتی، شرکتی و دیگر دارایی ها روی آورده است. بانک مرکزی بریتانیا مستقیماً بودجه دولت را تأمین می کند. این در حالی است که این محرک های مالی از نظر سیاسی پیچیده و در اجرا مشکل هستند.

بانک های مرکزی که زمانی محتاط و محافظه کار به حساب می آمدند، نشان دادند در مواقع ناامیدی می توانند سریع، جسور و خلاق باشند. حتی اگر رهبران سیاسی تمایلی به هماهنگی سیاست های برون مرزی نداشته باشند، بانک های مرکزی می توانند هماهنگ عمل کنند. از حالا تا مدتی طولانی، بانک های مرکزی اولین و اصلی ترین خط دفاع در برابر بحران های اقتصادی و مالی خواهند بود.

#### «اقتصاد عادی» هرگز باز نخواهد گشت



آدام توور  
پروفیسور تاریخ و مدیر موسسه اروپایی در دانشگاه کلمبیا

با شروع قرنطینه، اولین تلاش ها برای قیاسی تاریخی با سال های ۱۹۱۴، ۱۹۲۹، ۱۹۴۱ شروع شد. اما از آن زمان تا کنون دریافته ایم که شوک هایی که از سر می گذاریم در تاریخ تکرار نشده بودند. اتفاقی جدید در حال وقوع است و این وحشت می آورد.

عواقب اقتصادی با محاسبات مغایرت دارند. بسیاری از کشورها شوک اقتصادی عمیق تری در قیاس با شوک های قبلی را می گذرانند. در بخش هایی مانند خرده فروشی که تحت فشار رقابت آنلاین بود، احتمالاً آسیب همیشگی خواهد بود. بسیاری از فروشگاه ها بازگشایی نخواهند شد و مشاغل به طور دائم از بین خواهند رفت. میلیون ها کارگر، صاحبان مشاغل کوچک و خانواده های آنها دچار فاجعه شده اند. هرچه قرنطینه بیشتر طول بکشد، زخم های اقتصادی عمیق تر می شوند و بهبودی کندتر. آنچه درباره اقتصاد و امور مالی می دانستیم، تغییر خواهد کرد. از زمان شوک بحران مالی سال ۲۰۰۸ تا کنون درباره نیاز به رسیدگی به عدم قطعیت ها بسیار صحبت شده، و اکنون دریافته ایم که عدم قطعیت واقعاً به چه معناست. اکنون بزرگ ترین ناشی مالی ترکیبی از زمان جنگ جهانی دوم را شاهد هستیم، اما شاید کافی نباشد.

اگر واکنش مشاغل و خانواده ها به بحران کاهش ریسک پذیری و حرکت به سمت ایمنی باشد، رکود محتمل تر خواهد شد. اگر پاسخ عمومی به بدهی های انباشته شده در بحران ریاضت اقتصادی باشد، اوضاع بدتر می شود. تنها دولت فعال با پیشینی گسترده می تواند برون رفت از بحران را رهبری کند، اما سؤال این است که چطور چنین دولتی شکلی خواهد گرفت و کدام نیروهای سیاسی آن را کنترل خواهند کرد.



#### حال و هوای جنگ درچه ای به روی تغییر ات گشوده است



یک سری تغییرات اساسی هراز گاهی، و عمدتاً در زمان جنگ اتفاق می افتد. اکنون نه یک دشمن خارجی، که بیماری همه گیر «کووید۱۹» همان حال و هوای زمان جنگ را ایجاد کرده که چنین تغییراتی در آن امکان پذیر به نظر می رسد.

این جو با روایتی از رنج و حرکات قهرمانانه درست همپای بیماری در حال گسترش است. جنگ مردم را نه تنها در داخل یک کشور، که در میان کشورهایی با دشمن مشترکی مانند همین ویروس، به هم نزدیک می کند. آنهایی که در کشورهای پیشرفته تر زندگی می کنند با آنهایی که در کشورهای فقیر رنج می کشند، بیشتر همدردی

می کنند چون همه تجربه مشابهی را پشت سر می گذارند. شیوع این بیماری همچنین سبب شده افراد بسیاری از طریق برنامه هایی مانند «زوم» با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. جهان ناگهان کوچک تر و صمیمی تر شده است.

امید بر آن است که شیوع این بیماری همه گیر دریچه ای به ایجاد شیوه ها و نهادهای جدید برای مقابله با رنجها، از جمله اقدامات مؤثرتر برای متوقف کردن حرکت به سمت نابرابری بیشتر، گشوده باشد. شاید پرداخت های فوریتری بسیاری از دولت ها به افراد مسیری به سمت یک درآمد پایه جهانی باشد. از آنجا که همه جهان در این جنگ در یک جبهه هستند، شاید اکنون انگیزه لازم برای ایجاد مؤسسات بین المللی جدید فراهم آمده باشد. حال و هوای جنگ از بین می رود، اما چنین نهادهایی باقی خواهند ماند.

#### جهانی سازی با محوریت بیشتر چین



کشور محبوبانی  
از موسسه تحقیقاتی آسیایی سنگاپور

همه گیری «کووید۱۹» تغییری را که پیشتر شروخ شده بود، یعنی دور شدن از جهانی شدن با محوریت ایالات متحده و نزدیکی به سمت جهانی شدن با محوریت چین، را تسریع می کند. چرا؟ چون مردم آمریکا ایمان خود به جهانی شدن و تجارت بین المللی را از دست داده اند. توافقنامه های تجارت آزاد با دونالد ترامپ یا بدون او، اهمیتی ندارند. در مقابل، چین ایمان خود را به جهانی شدن از دست نداده چرا که رهبران این کشور می دانند قرن تحقیر چین از ۱۸۴۲ تا ۱۹۴۹ نتیجه تلاش بیهوده برای قطع روابط آن با جهان و تجدید حیات اقتصادی چند

دهه گذشته نتیجه تعامل آن با جهان بوده است. مردم چین همچنین تجربه انفجار اعتماد به نفس فرهنگی را پشت سر گذاشته اند و اکنون باور دارند در هر فضایی می توانند رقابت کنند. از این رو، همان طور که در کتاب جدید تحت عنوان «آیا چین پیروز شده است؟» آورده ام، ایالات متحده دو گزینه دارد: اگر هدف اصلی آن حفظ تقدم جهانی باشد، مجبور است در یک رقابت ژئوپلیتیک «مجموع، صفر» سیاسی و اقتصادی با چین شرکت کند؛ اما اگر هدفش افزایش رفاه مردم آمریکا باشد، باید با چین همکاری کند. مشاوران خردمند همکاری را گزینه بهتری می دانند؛ با این حال، با توجه به فضای سیاسی سمی ایالات متحده در رابطه با سمت چین، احتمال پیروزی مشاوران خردمند اندک است.

#### بسیاری از مشاغل از دست رفته هرگز باز نمی گردند

بیماری همه گیر و روند بهبود از آن روند دیجیتالی شدن و اتوماسیون مداوم کار را تسریع می کند؛ روندی که در دو دهه گذشته به از بین رفتن مشاغل با مهارت نسبی، افزایش مشاغل با مهارت بالا، رکود دستمزدهای متوسط و افزایش نابرابری درآمد کمک کرده است.



دی آندریا تاسون  
پروفیسور اقتصاد در دانشگاه کالیفرنیا

تغییر در تقاضا ترکیب آتی تولید ناخالص داخلی را تحت تاثیر می دهد. سهم خدمات در اقتصاد همچنان فزاینده خواهد بود، اما سهم خدمات حضوری در خرده فروشی، میهمان نوازی، سفر، آموزش، مراقبت های بهداشتی و دولت با مداخله دیجیتالیسم در نحوه سازماندهی و ارائه این خدمات، تغییر خواهد کرد. بسیاری از خدمات فردی که به مهارت بالا نیاز ندارند، به ویژه مشاغل ارائه شده توسط پنگاه های کوچک، بر نخواهند گشت. با این حال، خدمات اساسی از قبیل پلیس، آتش نشانی، مراقبت های بهداشتی، تدارکات، حمل و نقل عمومی و مواد غذایی شاهد ایجاد فرصت های جدید شغلی و افزایش فشار برای افزایش دستمزد و بهبود مزایا خواهند بود. برنامه های جدید و کم هزینه آموزش با ارائه دیجیتالی برای افراد جویای شغل در این زمینه نیازمند کسب مهارت های جدیدی خواهند بود. وابستگی ناگهانی شمار بالایی از مردم به توانایی کار از راه دور نیاز به گسترش قابل توجه و فراگیر «وای-فای»، پهنا ی باند و سایر زیرساخت ها برای تسریع دیجیتالی شدن فعالیت های اقتصادی را یادآور می شود.

#### جریمه مالیاتی طلبکاران از دولت بخشوده می شود

وجوه از دولت با تسویه بدهی از طریق صدور اسناد تسویه خزانه و با تهاثر به موجب مصوبه هیأت وزیران، بدهی قطعی شده خود را پرداخت نمایند. صدرصد (۱۰۰) جرایم قابل بخشش آنها بخشوده می شود. بنابراین بازه زمانی فرآیند است «کلیه مؤدیانی که به واسطه مطالبات از دولت (کارفرمایان بخش دولتی) امکان پرداخت بدهی های مالیاتی خود را در موعد مقرر نداشته، در صورتی که ظرف یک ماه از تاریخ دریافت

محمود علیزاده معاون فنی و حقوقی سازمان امور مالیاتی در نامه ای به قائم مقام دبیر کمیته ماده ۱۲ قانون احکام دائمی برنامه های توسعه کشور از نحوه بخشودگی جرایم مالیاتی طلبکاران از دولت خبر داده است. در این نامه آمده است «کلیه مؤدیانی که به واسطه مطالبات از دولت (کارفرمایان بخش دولتی) امکان پرداخت بدهی های مالیاتی خود را در موعد مقرر نداشته، در صورتی که ظرف یک ماه از تاریخ دریافت